



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی فسا
دانشکده پزشکی

پایان نامه برای اخذ درجه دکترای پزشکی عمومی

عنوان :

مقایسه شیوع سندرم متابولیک بر اساس تعریفهای IRANI، ATP III و IDF در شرکت کنندگان در

جمعیت کوهورت فسا

استاد راهنما :

عزیزالله دهقان

توسط:

علی زحمتکش

مرداد ۹۹

چکیده:

مقایسه شیوع سندرم متابولیک بر اساس تعریفهای IRANI، ATP III و IDF در شرکت کنندگان در جمعیت کوهورت فسا

مقدمه: سندرم متابولیک مجموعه‌ای از اختلالات متابولیک است که باعث افزایش ریسک بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت می‌شود. مشخصه اصلی سندرم متابولیک چاقی مرکزی، تری‌گلیسیرید بالا، HDL پایین، هایپرگلیسمی و فشارخون بالا است. هدف از انجام مطالعه حاضر مقایسه شیوع سندرم متابولیک بر اساس تعریفهای IRANI، ATP III و IDF در شرکت کنندگان در جمعیت کوهورت فسا بود.

روش بررسی: این یک مطالعه به روش مقطعی تحلیلی بوده و در سال ۲۰۲۰ از داده‌های مرحله اول کوهورت پرشین فسا که حدوداً ۱۰۰۰۰ نفر بودند، استفاده شد. اطلاعات لازم شامل متغیرهای چربیهای خون، قد، وزن، دور کمر، قند خون، فشارخون، جنس و سن از مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر اخذ شد. طبق تعاریف مختلف افراد با سندرم متابولیک شناسایی شدند. در نهایت شیوع سندرم متابولیک بر اساس تعریفهای IRANI، ATP III و IDF در شرکت کنندگان در جمعیت کوهورت فسا مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج مطالعه نشان داد که تعداد ۲۵۹۴ نفر (۲۵/۶ درصد) از جمعیت مورد مطالعه سندرم متابولیک Irani داشتند. همچنین ۲۹۰۸ نفر (۲۸/۷ درصد) و ۲۴۸۹ نفر (۲۴/۶ درصد) از جمعیت مورد مطالعه به ترتیب مبتلاء به سندرم متابولیک IDF و ATP بودند. از لحاظ آماری ارتباط بین Cardiac Ischemic، MI، Stroke با انواع سندروم متابولیک IRANI، ATP III و IDF معنی دار شد. تعداد ۸۵۶ نفر از جمعیت مردان (۱۸/۷ درصد) و ۱۷۳۸ نفر از جمعیت زنان (۳۱/۳ درصد) مبتلاء به سندرم متابولیک Irani بودند. همچنین تعداد ۷۵۱ نفر از جمعیت مردان (۱۶/۴ درصد) و ۲۱۵۷ نفر از جمعیت زنان (۳۸/۹ درصد) مبتلاء به سندرم متابولیک IDF بودند.

بحث و نتیجه گیری: مقایسه شیوع انواع سندرم متابولیک نشان می‌دهد که شیوع سندرم IDF در بین شرکت کنندگان مطالعه از همه بیشتر و شیوع سندرم ATP از همه کمتر می‌باشد. در مطالعه حاضر بین بروز انواع سندرم متابولیک و بروز Cardiac Ischemic، MI، Stroke رابطه معنی دار یافت شد. نتایج نشان داد شیوع هر سه نوع سندرم متابولیک در جمعیت زنان از مردان بیشتر بود.

واژگان کلیدی: سندرم متابولیک، کوهورت فسا، بیماری‌های قلبی عروقی

Abstract:

Comparison of metabolic syndrome prevalence based on IRANI, ATP III and IDF definitions in participants in Fasa cohort population

Introduction: Metabolic syndrome is a set of metabolic disorders that increase the risk of cardiovascular disease and diabetes. The main features of Central Obesity Metabolic Syndrome are high triglycerides, low HDL, hyperglycemia and high blood pressure. The aim of the present study was to compare the prevalence of metabolic syndrome based on the definitions of IRANI, ATP III and IDF in participants in the Fasa cohort population.

Materials and Methods: This is a cross-sectional analytical study and was conducted in 2020. In this study, the data of the first stage of Persian Fasa cohort, which were about 10,000 people, were used. Necessary information including variables of blood lipids, height, weight, waist circumference, blood sugar, blood pressure, sex and age were obtained from the Non-Communicable Diseases Research Center. According to different definitions, individuals with metabolic syndrome were identified. Finally, the prevalence of metabolic syndrome based on the definitions of IRANI, ATP III and IDF in participants in the Fasa cohort population was investigated.

Results: The results showed that 2594 people (25.6%) of the study population had Irani metabolic syndrome. Also 2908 people (28.7%) and 2489 people (24.6%) of the study population had metabolic syndrome IDF and ATP, respectively. The relationship between Cardiac Ischemic, MI, Stroke and IRANI, ATP III and IDF metabolic syndromes was statistically significant. 856 men (18.7%) and 1738 women (31.3%) had Irani metabolic syndrome. Also, 751 men (16.4%) and 2157 women (38.9%) had IDF metabolic syndrome.

Conclusion: Comparison of the prevalence of metabolic syndrome shows that the prevalence of IDF syndrome is the highest among study participants and the prevalence of ATP syndrome is the lowest. In the present study, a significant